

روزهای شلوغ برای دوزدن بخشنامه‌ای که از ۱۱ شهریور اجرا می‌شود

ازدحام برای افتتاح حساب در بانک‌ها بیشتر شد

صفحه ۳

دوشنبه ۶ شهریور ۱۳۹۶ ■ ۶ ذی‌الحجه ۱۴۳۸ ■ ۲۸ آگوست ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۲۴۳ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



■ ۱۱۷۸ سال و ۲۶۳ روز گذشت

آخرین شهر عراق از چنگال تکفیری‌های داعش رهایی یافت

آزادی کامل تلعفر

توقف عملیات نظامی در مرزهای مشترک سوریه و لبنان؛
داعش در برابر حزب‌الله تسلیم شد

صفحه ۱۵

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.09 ■ No.2243 ■ Mon.Aug.28, 2017 ■ ISSN:2008-2886

تیت‌های امروز

گزارش «وطن امروز» از تداوم روند رو به رشد نرخ ارز و پیش‌بینی فعالان بازار

دلار با آرامش بالامی‌رود!



صفحه ۳

نهمی کشتی آزاد در مسابقات جهانی پاریس

جای خالی رسول کنار تشک

صفحه ۱۲

خون برای امنیت جان برای آبادی

■ ۲ تن از اعضای گروه جهادی طلوع حق در گیلان‌غرب به شهادت رسیدند

■ بازیگر «خراجی‌ها» به شهدای حرم پیوست

صفحه ۱۳

از سوی شورای شهر صورت گرفت

تعیین سرپرست برای شهرداری تهران

■ وزارت کشور: باید مراحل قانونی استعلامات محمدعلی نجفی طی شود

صفحه ۴

روژنه

روز نامه‌های بد

■ حسین قدیانی

با گذشت بیش از یک هفته از رأی اعتماد مجلس به اکثریت قاطع وزرای دولت، هنوز هم روزنامه‌های زنجیره‌ای، در حد «بیتر یک» از متن و حاشیه عدم رأی اعتماد به آقای بیطرف، داستان‌پردازی‌ها می‌کنند پس بلندبالا و به این بهانه، هم رئیس‌جمهور را مورد شتمات قرار می‌دهند، هم رئیس مجلس را، هم فراکسیون امید را و هم جالب است، فلان فتنه‌گر را که گویا بیشترین نقش را در بستن لیست امید داشته! من روزهای شنبه و یکشنبه اغلب این روزنامه‌ها را مرور کردم! نه تنها هنوز از صحن و صحنه این عدم رأی اعتماد می‌نویسند که حتی وارد «پشت صحنه» هم شده‌اند! او تو گویی قتلی رخ داده، در قامت کارآگاهان، ذره‌بین دست گرفته‌اند بلکه به سرنخ ماجرا برسند!

در پاراگرافی «علی لاریجانی» را می‌زنند که چرا مجلس را مدیریت جهت‌دار می‌کند! در بخشی دیگر «حسن روحانی» را می‌زنند که اولاً چرا سهم اصلاح‌طلبان را انطور که شایسته ایشان بود، در ترکیب کابینه نداد و ثانیاً چرا برای بیطرف مایه نگذاشت! در بخش بعدی، هر متکلی را که فکر کنی بار اعضای فراکسیون امید می‌کنند! در نهایت، ضمن کنایه‌زدن به تنظیم‌کننده اصلی لیست امید، برای بار شاید صدم، در محبت تعیین سر برآی اصلاحات، خواهان عبور از فال‌ی می‌شوند! گاه می‌نویسند «هرگز نباید به اصولگرایی چون علی لاریجانی اعتماد کرد»! گاه می‌نویسند «علم نقد روحانی را تا بیش از این در نشده، باید از دست اصولگرایان گرفت، چرا که روحانی، فقط یک ماه مانده به انتخابات، موضع اصلاح‌طلبانه اتخاذ می‌کند»! گاه می‌نویسند «نه تنها اکثریت مجلس، اصلاح‌طلب نیست، بلکه حتی بخش موثری از اعضای لیست امید هم اصلاحاتی نیستند»! گاه می‌نویسند «فلانی به‌رغم فاهیه‌ای که می‌آید، فقط به آشتی خود با حاکمیت فکر می‌کند، نه آبرو و حیثیت اصلاحات»! حالا کل قصه چیست که اگر بتوانند، بی‌می از آن ندارند که به بهانه واکاوی آن، کل قیصریه را به آتش بکشند؟! هیچ! تنها و تنها یک عنصر مثلاً اصلاحاتی در شناسنامه، نتوانسته از مجلس، رأی اعتماد بگیرد! معذرت می‌خواهم اما چنین جانوران لجوجی هستند زنجیره‌ای‌ها که وقتی پای پست و سمت و میز و صندلی در میان باشد، اندک رحمی حتی به خودشان هم ندارند!

ادامه در صفحه ۵

بی‌هدفی در هدفمندی؛ مسیرهای نامشخص در درآمد‌ها!

■ میثم مهرپور *

نگاه‌امروز

روزی که لایحه هدفمندی یارانه‌ها با تصویب مجلس تبدیل به قانون و برای دولت لازم‌الاجرا شد، قرار بر این بود از این به بعد دولت‌ها به صورت دوره‌ای، گزارشی از عملکرد اجرای این قانون و نحوه هزینه‌کرد منابع حاصل به مجلس ارائه دهند تا نمایندگان ملت به صورت منظم و دقیق در جریان اجرای این قانون قرار گیرند؛ موضوعی که خیلی زود و در همان سال‌های اولیه اجرا، رفته‌رفته کمرنگ و پس از مدتی به فراموشی سپرده شد! در سال‌های اجرای این طرح در دولت دهم به‌رغم وجود انتقاداتی که - کارشناسان آن روز و دولتی‌های امروز - به سازمان هدفمندی درباره نحوه هزینه‌کرد منابع حاصل از اجرای این قانون داشتند، این سازمان و مجموعه دولت دهم بدون گلابه چندانی از کمبود منابع با استفاده از دریافت تنخواه از بانک مرکزی و اختصاص بخش بیشتری از منابع حاصل به پرداخت‌های نقدی تا روز آخر بر عهد خود مبنی بر پرداخت رقم مذکور به مردم ماندند. با روی کار آمدن دولت یازدهم، کارشناسان منتقدی که حالا در کسوت وزیر، معاون رئیس‌جمهور یا مشاور و... پاس‌تور نشین شده بودند، اگر چه در رقابت‌های انتخاباتی به عنوان نماینده و حامی دولت یازدهم از حل مشکل نقدینگی صنعت بویژه صنایع کوچک و متوسط، حمایت از تولید و پرداخت یارانه تولید سخن می‌گفتند و رفتار دولت قبل در نحوه تخصیص منابع، هزینه‌ها و مصارف قانون هدفمندی را غیر شفاف دانسته و نسبت به آن انتقاد داشتند اما در عمل و بعد از گذشت ۴ سال عملاً نه تنها هیچ تغییری در روند موجود انجام ندادند که بنا به دلایلی، ابهامات موجود در نحوه اجرای این قانون افزایش یافت.

دولتمردان یازدهم که قبل از حضورشان در پاستور، دولت قبل را متهم به دست‌اندازی به سایر منابع برای تامین پرداخت یارانه‌های نقدی می‌کردند و پرداخت‌های موجود را بدون دست‌اندازی به سایر منابع غیرممکن و عملکرد دولت قبل در پرداخت یارانه‌ها را توأم با تخلف می‌دانستند، پس از روی کار آمدن به طرز شگفت‌آوری و بدون هیچ تغییری در قیمت حامل‌های انرژی به مدت یک سال - اما این بار به صورت کاملاً قانونی و بدون دست‌اندازی به سایر منابع - روند گذشته را ادامه دادند! سال ۹۳ و پس از درخواست مجدد دولت از مردم برای انصراف از دریافت یارانه نقدی در کنار افزایش مجدد قیمت حامل‌های انرژی طبیعتاً

پس از این سخنان، اواخر اردیبهشت‌ماه سال ۹۴ و پس از گذشت حدود ۲ ماه از اظهارات جنجالی نعمت‌زاده، مجتبی خسرو تاج، سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز طی اظهار نظری مدعی شد: ابتدای سال ۹۳ قرار بود ۵ هزار میلیارد تومان به بخش تولید اختصاص یابد که با ارزیابی مسائل یارانه‌ها و کمبود بودجه این میزان به ۱۲۰۰ میلیارد تومان کاهش یافت و در نهایت به خاطر کمبود منابع این منبع به صفر رسید و یارانه‌ای به بخش تولید تعلق نگرفت.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت‌امروز

در سال‌های گذشته همواره از زبان اصلاح‌طلبان شنیده‌ایم که چنین ادعا می‌کنند اگر نظارت استصوابی و ردصالحیت کاندیداهای مورد نظر آنها در کار نباشد، آنها همواره برنده همه رقابت‌های انتخاباتی خواهند بود و از طرف دیگر عملکردی بسیار بهتر و عقلانی‌تر و هم‌راستاتر با منافع ملت خواهند داشت. حجم گسترده پمپاژ این ادعا در میان مردم هر از گاهی در جریان رقابت‌های انتخاباتی منجر به در دست گرفتن اکثریت توسط آنها می‌شود و جالب اینجاست که در دوره‌های بعد و با حضور همان چهره‌ها و بدون کم و کاست، بازی انتخابات را به سایر رقبا می‌بازند. بهترین مثال برای این مهم انتخابات شورای اول شهر تهران است. جایی که اکثریت کامل در اختیار اصلاح‌طلبان و جریان‌های تعریف شده در درون اصلاح‌طلبی قرار داشت. همه تا حدودی خاطرات ۴ سال اولین دوره شورای شهر تهران را به یاد می‌آورند. دوره‌ای که تمام و کمال به دعوای‌های درونی اصلاح‌طلبان بر سر تعیین شهردار و چگونگی عملکرد آن و در کل به سهم‌خواهی و زور آزمایی سیاسی درونی آنها گذشت. تا آنجا که شورای اول شهر تهران با دخالت وزارت کشور دولت اصلاحات منحل شد و در انتخابات شورای دوم و در جایی که هیچ اثری از نظارت استصوابی شورای نگهبان وجود نداشت و علاوه بر اصلاح‌طلبان چهره‌هایی از نیروهای ملی- مذهبی و اپوزیسیون تندرو جمهوری اسلامی نیز در صحنه حضور داشتند، نتیجه چیزی جز شکست سنگین اصلاح‌طلبان نبود. مردم در آن انتخابات و در دوره‌های سوم و چهارم شورای شهر تهران و سایر شهرهای کشور به دستور کارهای سیاسی محض پشت پا زدند. در جریان انتخابات نهمین دوره ریاست‌جمهوری و با وجود حضور چهره‌هایی مانند معین که خود را امتداد راه دولت دوم خرداد و در یک صورت‌بندی به مراتب رادیکال‌تر تعریف می‌کردند، نتیجه چیزی جز شکست برای اصلاح‌طلبان نبود. این شکست چیزی جز گریز ملت از دستور کارهای پر حاشیه اصلاح‌طلبان نبود. ملت می‌دیدند و امروز نیز شاهدند سهم‌خواهی و درگیری‌های درونی این جریان هیچگاه پایان ندارد و در اردوگاه اصلاح‌طلبان بحثی بی‌پایان بر سر چه باید کرد و حتی اساسی‌تر اینکه اصلاح‌طلبی

■ امیر استکی

چیست و چه کسی اصلاح‌طلب است در جریان است. این روزها و پس از انتخاب مجدد جناب روحانی به ریاست‌جمهوری دوازدهم و در جریان چانه‌زنی‌هایی که برای انتخاب وزرا و پیشنهاد آنها به مجلس در جریان بود، سهم‌خواهی‌ها و دعوای سنتی اصلاح‌طلبان نقشی بر جسته داشت و در جریان رأی اعتماد به وزرا هم شاهد حضور این ببقارای سنتی در جریان اصلاح‌طلب بودیم. اینکه وزیر پیشنهادی نیرو که از میان اصلاح‌طلبان انتخاب شده بود، موفق به کسب رأی اعتماد از مجلس نشد، این جدال را بار دیگر قوت بخشید. حالا اصلاح‌طلبان از لیستی که روانه مجلس کردند و با نام امید و با تکرار می‌کنم، مدعی اصلاح‌طلب بودن آنها بودند، برائت می‌جویند. دیگر نه تنها از آنها نمی‌شنویم که اکثریت مجلس در دست اصلاح‌طلبان است، بلکه حالا آنها در این هم شک دارند که آیا اکثریت فراکسیون امید اصلاح‌طلب هستند یا نه. در روزهای پس از مشخص شدن نتایج انتخابات مجلس دهم، انتخاب شدن تمام نامزدهای لیست امید در تهران برای اصلاح‌طلبان به سندی برای اشاره به «عقلانیت سیاسی» و «توسعه‌یافتگی» مردم تهران تبدیل شده بود. آن روزها اصلاح‌طلبان سرخوشانه مدعی به دست گرفتن اکثریت مجلس بودند. ادعایی که پس از پیوستن تعدادی از نمایندگان حاضر در لیست‌های امید به فراکسیون مستقلین و دیگر فراکسیون‌های مجلس و از همه مهم‌تر تکیه زدن لاریجانی بر مسند ریاست مجلس، پوچ از آب درآمد. این روزها با رأی عدم اعتماد مجلس به بیطرف و همچنین کسب رأی اعتماد توسط جهرمی- وزیری که اصلاح‌طلبان مخالف سرسخت او بودند- همانگونه که گفتیم در اصلاح‌طلب بودن فراکسیون امید نیز تشکیک جدی وارد شده است.

جریانی که سابقاً خود را همواره از پایگاه ثنوریک و ایدئولوژیک به جامعه عرضه می‌کرد، امروز یک جریان عملگرایی پراگماتیست است که اتفاقاً با آرمان‌های خود هم کیلومترها فاصله دارد و رسیدن به ترکیب روحانی- لاریجانی در تصمیمات سیاسی برای آنها خود گویای کامل این ناکامی سیاسی است تا آنجا که برای بخشی از اصلاح‌طلبان از جمله محمدرضا تاجیک امروز «شکست سیاسی به

همراه حفظ هویت اصلاح‌طلبی» بهتر از «پیروزی سیاسی با عملگرایی حاد فعلی» است. عملگرایی‌ای که اتفاقاً در تصمیمات سیاسی همواره آنها را مغلوبه کرده، در حالی که باید به خاطر آن هزینه اجتماعی پرداخت کنند که نمونه بازار آن در انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم و حمایت تام و تمام از روحانی و همچنین بی‌بهرگی از دولت او عیان شد. دولتی که نتیجه عملکرد اصلاح‌طلبان است و طبق قاعده بازی سیاست باید هزینه آن را بپردازند. اما حاصل این درگیری‌های درونی و ناتمام و همیشگی اصلاح‌طلبان برای مردمی که به آنها رأی داده‌اند، چه چیزی جز خسارت خواهد بود؟ وقتی رابطه ملت با عالم سیاست و توانمندی آنها برای تأثیر بر سرنوشت سیاسی خود و کشور، در سیستم کنونی محدود به همان یک رأی است که به صندوق می‌اندازند، این برای آنها درسی خواهد بود که به جریان همواره در بحران و نامتعیین اصلاح‌طلبی در ایران اعتماد نکنند درسی که پس از مجلس ششم و شورای شهر اول و ریاست‌جمهوری هشتم به آن رسیدند و آنگونه که از واکنش‌های‌شان به رسوایی سلفی حقرات نمایندگان مجلس با موگرینی- که اعضای فراکسیون امید در آن حضور چشمگیری داشتند- برمی‌آید، در انتخاب مجلس یازدهم دیگر اسیر تکرار این بازی خسارت‌بار نخواهند شد. اصلاح‌طلبی در ایران یک جریان سیاسی متکثر و نامتعیین با یک هسته بشدت غیردموکراتیک و دست‌نیافتنی است. مرکزیتی که نقش پدر خوانده را برای هر انکسی که منتقد پاره‌ای روندها در کشور باشد بازی می‌کند و از این رو ورودی‌های بسیار خواهد داشت اما در مقام عمل به علت ماهیت مرکزیت یادشده همواره در بحران دستور کار خواهد بود. مرکزیتی که بیش از آنکه در یک پروسه سیاسی شکل گرفته باشد حاصل روابط خانوادگی و خویشاوندی و مرید و مرادی است و به عبارت بهتر مانند یک فرقه عمل می‌کند. مرکزیتی بسته که فریاد لیبرالیسم سیاسی و دموکراسی را سر داده ولی ماهیتاً و بنیادی با چنین مفاهیمی بیگانه است. آنچه به کرات درباره نظر و خواست بزرگان اصلاح‌طلب از نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب و نمایندگان لیست امید می‌شنویم، همانا ایفای نقش مرکزیتی است که از آن یاد کردیم.

www.vatanemrooz.ir